

آینده پژوهی تغییر ارزش‌های خانواده در ایران با استفاده از رویکرد تحلیل لایه‌ای علی

محسن نیازی*، اسماعیل مزروعی نصرآبادی**، شیوا آقابزرگی زاده***

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۳۰ تاریخ بازنگری: ۹۹/۱۱/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۱

چکیده

خانواده اساسی‌ترین نهاد اجتماعی است که وظیفه‌ی انتقال ارزش‌های جامعه به افراد را داراست. در دهه‌های اخیر تغییر در حوزه‌های مختلف جامعه خانواده را تحت تأثیر قرار داده است. لذا آینده‌ای متفاوت و نامعلوم در انتظار خانواده است که موجب هراس اجتماعی شده است. با توجه به خلأ تحقیقاتی در این زمینه، هدف تحقیق حاضر آینده‌پژوهی تغییر ارزش‌های خانواده است که تاکنون در ایران انجام نشده است، لذا به لحاظ موضوعی و رویکرد حاکم بر آن نوآورانه به حساب می‌آید. جامعه آماری تحقیق خبرگان حوزه‌ی جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی بودند. حجم نمونه ۱۷ نفر و ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه بود. بعد از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها به کمک روش تحلیل تماتیک، تم‌های اصلی و فرعی مصاحبه‌ها استخراج گردیده و سپس با کاربرد تحلیل لایه‌ای علی، مؤلفه‌ها و ابعاد آن‌ها در ۴ سطح لیتانی، علل اجتماعی، گفتمان و اسطوره شناسایی شدند. استعاره/اسطوره‌هایی که از آینده‌پژوهی ارزش‌های خانواده در ایران در تحقیق حاضر به دست آمد عبارتند از: پاییز، فقط خودم، خانه به‌مثابه خوابگاه.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، ارزش‌های خانواده، نوسازی، تحلیل لایه‌ای علی، خانواده.

*niazim@kashanu.ac.ir

* استاد جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

**drmazroui@kashanu.ac.ir

** استادیار مدیریت دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

*** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. (نویسنده مسئول).

shiva.bozorgy@gmail.com

طرح مسأله

خانواده اساسی‌ترین نهاد اجتماعی است که ابتدا با توجه به نیازهای اساسی خود برای بقا، جوامع را تشکیل می‌دهد سپس با توجه به نیازهای بالاترش برای رسیدن به یک زندگی رضایت‌بخش تلاش می‌کند (Geoffrey et al, 2019: 105). روابط و ارزش‌های حاکم بر خانواده نقش اساسی در رشد و نمو بزرگسالان دارد (Reyes, 2018). در محیط خانواده، فرزندان ارزش‌ها را می‌آموزند و با کسب تجربه با دنیای بیرون از خانواده رابطه برقرار می‌کنند (Darabi, Kelashloo, 2017). ارزش‌ها، اساسی‌ترین عناصر یک نظام اجتماعی است که ضمن تأثیرگذاری برکنش‌ها و ارزیابی مردم از رویدادها حلقه‌ی اتصال فرهنگ هر قوم و ملتی با نسل آینده نیز هست. تداوم هر جامعه درگرو تداوم ارزش‌های اساسی آن است و تداوم ارزشی و انتقال آن از خانواده شروع می‌شود. ارزش‌ها پایایی و ثبات خانواده را تضمین می‌کنند؛ لذا ارتباط خانواده و ارزش‌ها ارتباطی دوسویه است؛ پس از طریق ارزش‌ها و کنترل و هدایت آن‌ها می‌توان جامعه را به زوال یا به تعالی کشاند (Taghavi, Aslani, 2018).

خانواده در جهان امروز، بیش از گذشته در معرض تغییر و دگرگونی است و این دگرگونی موجب تحول در مسیر زندگی و تجربه‌ی زیسته‌ی تک‌تک انسان‌ها (Mirmohammadrezaee et al, 2018) و تغییر شکل خانواده‌ها شده است این تغییر شکل، ارزش‌های متفاوتی را نیز به وجود آورده است (Eslami, 2017). شدت تغییر ارزش‌ها تا اندازه‌ای است که قرن حاضر را دوران تزلزل ارزش‌ها نامیده‌اند (Khoshsafta & Kafashi, 2018). ارزش‌های جدید خانواده متفاوت از ارزش‌های خانواده سنتی است. چالش‌های مابین ارزش‌های سنتی و مدرن نقش افراد در داخل خانواده‌ها را تغییر داده است (Eslami, 2017). به‌طوری‌که تغییر در ارزش‌ها بر برخی مسائل مربوط به حوزه‌ی خانواده از جمله شیوه‌های همسرگزینی، انتظارات زن و شوهر از همدیگر، مناسبات میان زوجین یا روابط میان فرزندان و والدین تأثیر گذاشته است (Modiri, 2019). این امر سبب شکل‌گیری خانواده‌های جدیدی شده است. تشکیل انواع جدید خانواده به نظر نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی نظم، می‌تواند خطر عمده‌ای برای جامعه محسوب شود. در واقع خانواده در حال حاضر موجودیت و ضرورت آن در معرض تردید و تهدید قرار گرفته است. گزارشی از کشورهای غربی نشان می‌دهد که تعداد خانواده‌های کانادایی که از زوج هم‌جنس تشکیل شده‌اند در فاصله سال‌های 2006 تا 2011 سه برابر شده است. بر اساس سرشماری 2015 فنلاند تعداد خانواده‌های هسته‌ای بدون فرزند، خانواده‌های همباش دارا یا بدون

فرزند در حال رشد است. در ایران نیز وضعیت خانواده به‌گونه‌ای است که دچار تغییرات عمیقی شده از سوی دیگر با مسائل و مشکلاتی چون طلاق دست‌وپنجه نرم می‌کند. در نه ماهه سال ۹۴ از هر ۴/۳ ازدواج یک مورد به طلاق منجر شده است (Iazdani & Doosti, 2016).

فهم این تغییرات بیش از همه در قالب رویکرد مدرنیزاسیون امکان‌پذیر است چراکه این رویکرد بر مشخصه‌ها و عناصری نظیر صنعتی شدن، شهرنشینی، آموزش مدرن، فناوری، رسانه‌های ارتباطی و... تأکید می‌کند. این تغییر و تحولات همان‌طور که گیدنز اشاره می‌کند مسأله‌ای جهانی است. این مسأله جهانی در ایران توجه بسیاری از متفکران و محققین را به خود جلب کرده است چراکه تغییر و تحولات زمینه‌ی تهدید نظام خانواده را فراهم کرده و از سوی دیگر توجه به تغییرات می‌تواند مسائل پیش‌آمده در حوزه‌ی خانواده را بهبود ببخشد و از مشکلات آینده نیز جلوگیری کند (Azad Armaki & Zahirinia, 2011). از طرف دیگر تغییر و تحول امری گریزناپذیر است، لذا شناسایی مکانیسم‌های این تحول در نظام ارزشی خانواده مخصوصاً در سطح خرد و میانه می‌تواند امکان دست‌کاری در نقشه سازمان‌دهی ساختار آینده ایران را فراهم آورد و از وقوع بی‌هویتی یا اغتشاش هویتی و یا چند هویتی در بین نسل‌های متفاوت بکاهد و فرصت لازم جهت تغییر و تبدیل روندهای تغییر ارزشی نادرست را برای سیاست‌گذاران حوزه فرهنگی فراهم آورد. امری که تا به امروز مورد غفلت سیاست‌گذاران و محققین قرار داشته است.

با توجه به ضرورت بررسی ارزش‌های خانواده و تبیین تغییرات آن آینده‌پژوهی این موضوع می‌تواند تحلیل‌گران را در راستای سیاست‌گذاری مناسب جهت آینده راهنمایی نماید؛ لذا هدف اصلی این پژوهش تحلیل آینده‌ی ارزش‌های خانواده در ذهن خبرگان جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی است. به عبارتی در پژوهش حاضر وضع موجود موردبررسی قرار نگرفته بلکه تحلیل نگاه خبرگان به ارزش‌های خانواده در ۲۰ سال آینده بررسی شده که پتانسیلی را برای مسئولین و برنامه‌ریزان، در راستای سیاست‌گذاری‌های مناسب به‌منظور بهبود شرایط در آینده فراهم می‌نماید. در این راستا با بهره‌گیری از روش تحلیل علی لایه‌ای^۱ به لایه‌های مختلف توجه شده است و به تحلیل‌ها و سازوکارهای سطحی اکتفا نشده است و همه در راستای یک هدف است و آن آینده‌پژوهی تغییر ارزش‌های خانواده در ایران است. نکته‌ی قابل‌توجه آن است که تاکنون آینده‌پژوهی تغییر

ارزش‌های خانواده در ایران صورت نگرفته است تا برنامه‌ریزان حوزه‌ی خانواده از راهبردهای پژوهشگران این حوزه در قالب افقی ۲۰ ساله بهره ببرند؛ لذا آنچه مورد پژوهش قرار گرفته است به لحاظ رویکرد مورد بررسی و موضوعی که در این رویکرد بررسی می‌شود بدیع است.

پیشینه تحقیق

ورزی کناری و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی تحت‌عنوان «نوسازی فرهنگی و ارزش‌های خانواده در بین دانش‌آموزان دبیرستانی استان مازندران» انجام داده‌اند. هدف این پژوهش بررسی تأثیر نوسازی فرهنگی بر ارزش‌های خانواده بوده است. روش تحقیق پیمایشی بوده و با ابزار پرسشنامه به جمع‌آوری اطلاعات پرداخته‌اند. جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان دبیرستانی شهرهای استان مازندران بوده که با استفاده از فرمول کوکران به ۳۸۴ نفر از آن‌ها پرسشنامه داده شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که میانگین نوسازی فرهنگی و تغییرات ارزش‌های خانواده بیشتر از حد متوسط است و نگرش‌های مدرنی را در بین ارزش‌های خانوادگی دانش‌آموزان نشان می‌دهد و بین نوسازی فرهنگی و ارزش‌های خانواده رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. در پایان آنان نتیجه می‌گیرند که توسعه و مدرنیزاسیون می‌تواند ارزش‌های دانش‌آموزان استان مازندران را تغییر دهد.

رومیانی و همکاران (۱۳۹۷) پژوهشی تحت‌عنوان «نقش اینترنت بر ارزش‌های خانواده در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران» انجام داده‌اند. این مطالعه به صورت توصیفی-تحلیلی در شهر تهران انجام شده است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران بوده که بین ۳۸۴ نفر از آن‌ها پرسشنامه توزیع شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین وابستگی دانشجویان به اینترنت، فضای صمیمیت بین کاربران، آگاهی و اطلاع توسط خانواده و میزان استفاده دانشجویان از اینترنت رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد.

هاشمی نژاد و همکاران (۱۳۹۷) پژوهش خود تحت عنوان «سناریوهای آینده خانواده در ایران» را با استفاده از رویکرد چرماک و الگوی لایه‌ای توسعه راهبرد مبتنی بر سناریوسازی انجام داده‌اند. سناریوهای به‌دست‌آمده عبارت‌اند از: ملک سلیمان، طلا و مس، آن دختر و گرگ وال استریت که عناوین سناریوها هستند. براین اساس مختصات خانواده در هر یک بحث و بررسی شده است.

عسگری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهش خود تحت عنوان «آینده‌پژوهی سرمایه فرهنگی در خانواده ایرانی به روش مدل‌سازی» به ذکر مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر

آینده پژوهی سرمایه فرهنگی خانواده از منظر خبرگان پرداخته‌اند. این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: تعاملات اجتماعی، اشتغال، دموکراتیک بودن، امکانات فرهنگی، مصرف فرهنگی و طبقه اجتماعی، آموزش، دانش سلامتی، شناخت و نگهداری میراث فرهنگی و مشارکت فرهنگی و نهایتاً گردشگری، مدارک تحصیلی و حرفه‌ای و دسترسی به اطلاعات و شبکه‌ی جهانی. موارد ذکر شده در آینده سازی سرمایه فرهنگی خانواده نقش دارند.

خوش‌صفا و کفاشی (۱۳۹۶) پژوهشی تحت‌عنوان «بررسی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و ارزش‌های خانواده» انجام داده‌اند. این پژوهش به بررسی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی با ارزش‌های خانواده (شهروندان بروجردی در سال ۱۳۹۴) پرداخته است. در این راستا از روش پیمایشی بهره برده و با استفاده از فرمول کوکران به ۳۸۲ نفر از شهروندان بروجردی ۱۷ تا ۴۰ ساله پرسشنامه داده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد شاخص‌های متغیر مستقل: گمنامی، سابقه کاربری، میزان استفاده و تعاملی بودن ارتباطات در شبکه‌های اجتماعی مجازی به ترتیب توانسته‌اند متغیر وابسته را تبیین کرده و بیشترین تأثیرگذاری را بر ارزش‌های خانواده داشته باشند.

کرمی و موسوی زاده (۱۳۹۴) پژوهشی تحت‌عنوان «سنخ‌شناسی نگرش به ارزش‌های سنتی خانواده» انجام داده‌اند. هدف این مطالعه فهم استراتژی‌های شهروندان تهرانی در مواجهه با ارزش‌های سنتی خانواده است. برای یافتن پاسخ به سؤالاتشان با ۲۳ نفر از شهروندان تهرانی بین ۳۰ تا ۵۳ سال مصاحبه عمیق انجام داده‌اند. یافته‌های پژوهش آنان با روش تحلیل مضمونی موردبررسی قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد چهار گونه استراتژی اصول‌گرایانه، اعتدال‌گرایانه، گزینشی و تجددگرایانه به‌دست‌آمده و افراد در هر کدام از این گونه‌های استراتژی، معنای واحدی به رفتارهای خود نمی‌دهند؛ و در نهایت براساس تفسیرهایی که افراد از استراتژی‌های خود ارائه می‌دهند، هر یک از گونه‌ها به گونه‌های تفسیری متمایزی تقسیم‌بندی می‌شوند.

جرج^۱ و ویگند^۲ (2019) در پژوهش خود تحت عنوان «درک خانواده‌های آسیب‌پذیر» خانواده‌هایی را بررسی می‌کنند که با موانع متعددی روبرو هستند. از سوی دیگر تعامل آن‌ها با تبلیغات عمومی نیز تحلیل می‌شود. در این راستا از داده‌های پنج سازمان دولتی برای شناسایی میزان رفاه کودک، خدمات روحی و روانی و سوءمصرف مواد و زندانیان

1. Goerge.
2. Wiegand.

بزرگسال و نوجوان بهره برده‌اند. بررسی آن‌ها نشان می‌دهد ۲۳ درصد خدمات در دو زمینه به کار برده می‌شود. این امر غلظت ۸۶ درصدی بودجه را نشان می‌دهد که این خدمات توسط کل نمونه استفاده می‌شود.

رپنیک^۱ (2019) در پژوهشی با عنوان «تأثیر مهاجرت نیروی کار بر زندگی خانوادگی آینده فرزندان مهاجر کارگر» ویژگی ایده‌های زندگی خانوادگی در مورد آینده فرزندان خانواده‌های کارگران مهاجر را در مقایسه با ایده‌های فرزندان خانواده‌های اجباری و فرزندان یتیم مورد مطالعه و تحلیل قرار داده است. وی تأثیر محرومیت در متفاوت بودن این ایده‌ها را مورد توجه قرار داده است. این پیمایش در مناطق مختلف اوکراین انجام گرفته است. ویژگی‌های مقایسه‌ای گروه‌هایی از نوجوانان محروم از نتایج این تحقیق بوده است. فرض بر این است که بچه‌های فاقد سرپرست ایده‌های کمتری درباره آینده خانواده خواهند داشت.

ژاو^۲ و همکاران (2017) در مطالعه خود به بررسی مکانیسمی پرداختند که تعارض کار در خانواده و پیامدهای فردی، آن را به یکدیگر پیوند می‌دهد. داده‌ها از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شد و ۲۲۵ مورد با مدل‌های رگرسیون سلسله مراتبی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد که در مقایسه با مدیران زن، رابطه منفی بین تعارض کار در خانواده و موفقیت خانواده وجود دارد. برای مدیران مرد با جهت‌گیری نقش جنسیتی برابری نسبت به افرادی که دارای گرایش جنسی سنتی هستند، قوی‌تر است. علاوه بر این در میان مدیران مرد با گرایش نقش جنسیتی، بین تعارض کار در خانواده و پیشرفت کار درک شده رابطه مثبت وجود دارد.

آری هوزر^۳ (2017) در پژوهش خود در رابطه با ارزش اقتصادی خانواده به ارائه تخمین‌های جدیدی از تعداد مراقبان، شدت مراقبت و کل ارزش اقتصادی مراقبت از خانواده پرداخته است و آن را در ایالات متحده آمریکا، منطقه کلمبیا، پورتوریکو و جزایر ویرجین بررسی کرده است. تجزیه و تحلیل‌های قبلی از این نوع نشان داده‌اند که کل ارزش اقتصادی مراقبت از خانواده به‌طور پیوسته از ۳۵۰ میلیارد دلار در سال 2005 به ۴۷۰ میلیارد دلار در سال 2013 افزایش یافته است.

3. Krupnik

4. Zhao

5. Ari Houser...

کیم ۱ (2016) در مطالعه خود به بررسی تفاوت‌های ارزش‌های خانوادگی و عوامل مؤثر بر این ارزش‌ها در بین سه نسل پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که درک ارزش‌های خانواده و همچنین عوامل مؤثر بر درک ارزش‌های خانوادگی، بین سه نسل متفاوت است و ارزش ازدواج سنتی در بین بزرگسالان مسن‌تر کاهش یافته چراکه آن‌ها از زندگی زناشویی رضایت دارند و فعالیت‌هایی را با همسرانشان انجام می‌دهند.

کولین (1994) در مقاله‌ای تحت عنوان «ارزش‌های خانوادگی در قانون اساسی آمریکا» به مقایسه‌ی بین ارزش‌های خانوادگی در قانون اساسی و ارزش‌های خانوادگی ایالت‌هایی چون یوتا می‌پردازد. او گزارش می‌کند که ارزش‌های خانوادگی موجود در آمریکا با ارزش‌های خانوادگی موجود در ایالت یوتا مغایر است. همچنین به این نتیجه رسید که دخالت دولت فدرال و ارزش‌های خانوادگی نمی‌توانند توأم باهم باشند و دولت‌مردانی که قانون اساسی آمریکا را نگاشتند به این امر واقف بودند که ارزش‌های خانوادگی خارج از چارچوب دولت است (Zahedi & Khezrneshad, 2014).

مطالعاتی که به آن‌ها اشاره شد را می‌توان در دو بخش تقسیم‌بندی کرد: بخش اول شامل مطالعاتی است که رویکرد آن‌ها آینده‌پژوهی بوده است. بخش دوم شامل مطالعاتی است که از سایر رویکردها و نه در قالب آینده‌پژوهی بهره گرفته‌اند. در دو سال اخیر به نظر می‌رسد مطالعات اندکی شامل سه مطالعه در قالب رویکرد آینده‌پژوهی در حوزه‌ی خانواده صورت گرفته است. این مطالعات توسط عسگری و همکاران (۱۳۹۷)، افشارکهن و همکاران (۱۳۹۸) و هاشمی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۷) به رشته تحریر درآمده است. مطالعه عسگری و همکاران (۱۳۹۷) با ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی انجام شده است از سوی دیگر به آینده‌پژوهی سرمایه فرهنگی خانواده در ایران پرداخته درحالی‌که مطالعه حاضر به روش کیفی به آینده‌پژوهی ارزش‌های خانواده می‌پردازد. یکی دیگر از نکات قابل‌تأمل در مطالعه‌ی عسگری و همکاران، مدل‌سازی است که به‌وسیله‌ی آن مؤلفه‌های ارتقاء سرمایه فرهنگی در خانواده را به تصویر کشیده‌اند. مطالعه‌ی دیگر را افشارکهن و همکاران (۱۳۹۸) انجام داده‌اند. آنان در پایان مدلی ارائه می‌دهند و بر اساس آن تغییرات آینده خانواده را مطرح می‌کنند. این مطالعه تغییرات را نتیجه‌ی راهبردهایی می‌داند که نسل حاضر برای سازگاری با شرایط ساختاری به کار می‌برد. مطالعه‌ی حاضر برخلاف مطالعات ذکرشده مدل ارائه نمی‌دهد اما از روش کیفی تحلیلم بهره برده و سپس به تحلیل لایه‌ای علی می‌پردازد.

یکی از متغیرهای اساسی در مطالعه‌ی افشارکهن و همکاران، پایگاه اقتصادی-اجتماعی است و آن را تعیین‌کننده‌ی سیاست‌های تربیتی می‌داند اما مطالعه‌ی حاضر براساس مصاحبه با خبرگان بر مدرنیزاسیون متمرکز است.

درمجموع با توجه به این‌که پژوهش حاضر به آینده‌پژوهی تغییر ارزش‌های خانواده در ایران پرداخته دارای نوآوری است. درواقع پژوهشی با رویکرد آینده‌پژوهی در ایران، تغییر ارزش‌های خانواده را تاکنون بررسی نکرده است.

دسته دوم مطالعات از سایر رویکردها در مطالعه‌ی خود بهره گرفته‌اند. بخشی از این مطالعات، داخلی هستند و بخشی از آن، خارجی هستند. مطالعات داخلی نشان می‌دهند که مؤلفه‌های جهان مدرن بر ارزش‌های خانواده تأثیر بسزایی دارند. همان‌طور که رویکرد نوسازی نیز، نوسازی را منبع تحول خانواده و نگرش‌های سنتی حاکم بر آن می‌داند. یکی از مؤلفه‌هایی که بر آن تأکید می‌شود شبکه‌های مجازی یا دسترسی به اینترنت است. یکی از ویژگی‌های مطالعه‌ی حاضر آن است که با روش آینده‌پژوهی انجام شده است. به عبارتی اگرچه مطالعات مختلف علل تغییر ارزش‌ها را بررسی نموده‌اند، نسبت به چگونگی شرایط در آینده بی‌توجه بوده‌اند و به آن نپرداخته و افقی پیشروی خانواده برای سال‌های آتی ترسیم نکرده‌اند؛ لذا ضروری به نظر می‌رسد که پس از تبیین وضعیت کنونی خانواده و ارزش‌های حاکم بر آن و بررسی علل و پیامدهایش، پهنه‌ی وسیع آینده ترسیم شود تا از پیامدهایی چون فروپاشی یا بعضاً انقراض خانواده بتوان جلوگیری به عمل آورد و علی‌رغم همه‌ی تغییرات و کاهش قدرت خانواده، بتوان بنیان نخستین محفل گروهی و تربیتی انسان را حفظ کرد چه بسا فروپاشی خانواده ضربات جبران‌ناپذیری بر جامعه‌ی درحال‌گذار و مدرنیته‌ی نیم‌بند ایرانی زده و آن را از مسیر توسعه منحرف کند.

در مجموع نتایج مطالعات دسته‌ی دوم چنین است که به باور نویسندگان آن‌ها ارزش‌های خانواده تحت تأثیر عوامل مشخصی هستند این ارزش‌ها در شهرها و ایالت‌های مختلف بررسی شده و نشان می‌دهد که این ارزش‌ها در بین نسل‌های مختلف تغییر کرده است همچنین نسل‌های مختلف همچون پدران و مادران با فرزندانشان درک متفاوتی از ارزش‌ها در نظام خانوادگی دارند و به‌گونه‌ای متفاوت عمل می‌کنند. از سوی دیگر تعارض کار در خانواده و پیامدهای آن را بیان کرده و آن را در بین زنان و مردان مقایسه کرده‌اند. تأثیر مهاجرت را بر آینده زندگی خانوادگی مطرح کرده و گروهی از محققین نیز به میزان آسیب‌پذیری خانواده‌ها پرداخته‌اند. درمجموع متغیرهایی که بر عملکرد خانواده تأثیرگذارند موردبررسی بیشتر قرار گرفته‌اند.

چارچوب نظری

جامعه‌شناسان بر اهمیت خانواده در حیات اجتماعی تأکید دارند، لیکن این مفهوم هنوز هم یکی از پرابهام‌ترین مفاهیم این علم است. برگس و لاک^۱ خانواده را گروهی می‌دانند متشکل از افرادی که از طریق پیوند زناشویی، هم‌خونی و با پذیرش (به‌عنوان فرزند) با یکدیگر به‌عنوان شوهر، زن، مادر، پدر، برادر و خواهر در ارتباط متقابل‌اند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می‌کنند. مک آیور^۲ درباره‌ی خانواده می‌نویسد: «خانواده گروهی است دارای روابط جنسی چنان پایا و مشخص که به تولیدمثل و تربیت فرزندان منجر گردد» (Sarookhani, 2010). در مجموع خانواده گروهی است که روابط جنسی و ارتباط متقابل دارند. خانواده با ایفای نقش خود در جامعه، توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را دنبال و اجرا می‌کند. تغییر و تحولاتی چون اشتغال و جایگاه زنان، تغییرات الگوی ازدواج، گسست ارزشی، بالا رفتن نرخ ازدواج و طلاق، رفت و بازگشت‌های عقاید و... از ویژگی‌های خانواده‌های جدید است که بر آینده‌سازی سرمایه فرهنگی خانواده تأثیرگذار است (Asgari et al, 2019). مهم‌ترین آن گسست ارزشی است که از طریق جریان تغییر، خانواده سنتی را به مدرن و پست‌مدرن تبدیل می‌کند. اینگلهارت و نظریه‌پردازان رویکرد نوسازی، بنیان گسست ارزشی را پدیده‌ی نوسازی می‌دانند با این تفاوت که اینگلهارت احتمال پیش‌بینی دگرگونی‌ها را بسیار اندک در نظر می‌گیرد. وی در ابتدا، فرض اساسی نظریه نوسازی را موردنقد قرار داده و معتقد است تنها بعضی از نشانه‌های دگرگونی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی به‌صورت جریان‌های منسجم و موازی ظاهر می‌شوند. وی نظریه خودش را طرح بازسازی‌شده نظریه نوسازی می‌داند اینگلهارت بر این باور است که دگرگونی ارزشی به‌آرامی و از طریق جامعه‌پذیری نسل‌های جدید تحقق می‌یابد (Azadarmaki & Zahirinia, 2011).

اینگلهارت تفاوت‌های میان فرهنگی را به‌صورت جهت‌گیری‌های سنتی در برابر جهت‌گیری‌های دنیوی-عقلانی، نشان می‌دهد. جوامعی که در قطب سنتی جای می‌گیرند بر ارزش‌های خانوادگی سنتی اصرار می‌ورزند. در جوامعی که ارزش‌های دنیوی دارند عکس آن عمل می‌شود (Ingelhart, 2017)

1. Burgess, Locke
2. Mac Iver

اغلب نظریه پردازان کلاسیک مانند کارکردگرایان بر متغیرهای موجود در جامعه سنتی و مدرن و تقابل آن‌ها تأکید می‌کنند. اسلمسر از جمله آنان است که به نظرش در یک جامعه پیشرفته، تفکیک کارکردی عناصر ساختی به صورت کامل صورت گرفته، ولی جامعه توسعه نیافته فاقد چنین تفکیکی است. پس تغییر روی تفکیک متمرکز است. به نظر وی جامعه‌ای که در معرض نوسازی است در حوزه‌ی خانواده با تغییراتی چند روبرو است (Haghighatian & Darabi, 2016) برای مثال واحدهای وسیع خویشاوندی گستردگی خود را از دست می‌دهند (Azkia & Ghafari, 2010). به نظر وی در فعالیتهای خانواده فرآیند تمایز ساختی باید ناظر به رهایی خانواده از برخی کارکردهای سابق و تبدیل به یک کارگزاری تخصصی شده تر باشد و این گرایش معطوف به جدایی کارکردهای خانوادگی از کارکردهای اقتصادی است (Zahedi, 2008). اسلمسر بر خلاف اینگلههارت در قالب نظریه نوسازی نظریات خود را مطرح می‌کند اما در عین حال به تفکیک جامعه سنتی و مدرن پرداخته اما موتور محرکه تغییر را نه نسل‌های جدید بلکه تمایزات می‌داند.

پارسونز نیز در قالب رویکرد نوسازی بر تفاوت جامعه سنتی و مدرن تأکید کرده همان‌طور که اینگلههارت آن‌ها را تفکیک می‌کند؛ اما پارسونز تفاوت این دو نوع جامعه را در میزان تفکیک ساختی آن‌ها می‌داند. مثلاً در جامعه سنتی، خانواده هم متصدی آموزش است و هم بنگاهی اقتصادی محسوب می‌شود، اما در جامعه مدرن، نهاد آموزش و نهاد اقتصاد از پیکره خانواده جدا شده‌اند (Azadarmaki & Zahirinia, 2011).

کلمن^۱ نظریه پردازی است که تغییرات خانواده را در بعد ساختاری بررسی می‌کند. تبیین‌های ساختاری غالباً، برای نظریه‌های مبتنی بر تأثیر مدرنیزاسیون در تحولات خانواده اهمیت قائل‌اند و بر تحولات اجتماعی ناشی از آن تأکید دارند. (Hasheminezhad et al, 2019).

گیدنز^۲ نیز همچون سایر نظریه پردازانی که اشاره شد بر دوگانه‌ی سنتی و مدرن تأکید دارد. در جهان مدرن، کنشگر هم به وضعیت خودآگاهی دارد و درباره‌ی آن می‌اندیشد و هم به آگاهی‌های خودآگاهی دارد. هویت شخص در جامعه‌ی مدرن پیوسته در معرض تغییر و بازبینی قرار دارد به وسیله‌ی بازاندیشی و مانند جامعه سنتی نیست که در نتیجه تداوم

1. Colman
2. Giddenz

کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد (Karami & Moosavi, 2016). برگر^۱ مفهوم بازاندیشی‌گیدنز را به هویت‌گره می‌زند؛ درواقع بازاندیشی یکی از ویژگی‌های انسان مدرن است. به اعتقاد او برخلاف گذشته که جهان معنایی افراد، یکپارچه بود در جامعه مدرن - به علت ظهور جهان‌های چندگانه و ناهماهنگی این جهان‌ها باهم - هویت انسان همواره در معرض تغییر و بازاندیشی قرار دارد (همان). مانهایم ارزش‌ها را فرآیندهای ساختگی نمی‌داند. به نظر او هنگامی ارزش‌ها تولید می‌شوند که واقعیت اجتماعی در حال رشد، مسائل غیرقابل محاسبه و جدیدی را به جریان‌های فکری عرضه می‌کنند، درحالی‌که این جریان‌ها تدریجی و تکاملی باشند. به نظر مانهایم نیز چون اینگلههارت نسل جدید دست به بازتعریف ارزش‌ها و افکار و ایدئولوژی‌های حاکم می‌زند. در این راستا ارزش‌های نسل قبل به‌طور کامل از بین نمی‌روند (Aliakbari & Saboori Khosrovshahi, 2019). به نظر مانهایم، تمام روابط اجتماعی، اشیاء، نشانه‌های فرهنگی یعنی خانواده‌ها و ابزارها و نمادها در عمل و در جریان دخالت عملی در دنیا ساخته می‌شوند. زیست جهان روزانه دنیایی است که ما در آن در حال انجام کنش با دیگران هستیم و با آن‌ها ارتباط داریم (Knoblauch^۲, 2012).

کلی و ولخارت تجربه‌ی افراد را در گروه‌هایی که در آن‌ها عضویت دارند بررسی کرده و طی تحقیقات خود به این نتیجه می‌رسند که افرادی که از انگیزه‌ی بالایی برای حفظ عضویت فرد در گروه برخوردارند و بنابراین وابستگی بیشتری به تأیید دارند، بعید به نظر می‌رسد که ارتباطات و پیام‌هایی را قبول کنند که نقطه‌ی مقابل هنجارها و ارزش‌های گروه هستند. فرد باید موافقت و تأیید را به دست آورد. در اینجا می‌توان به پذیرش توسط گروه تعبیر کرد، یعنی این‌که اعضا هر چه بیشتر موردپذیرش گروه قرار بگیرند، احتمال تأثیر پیام بر گروه بیشتر است. خانواده نخستین گروهی است که هر فرد زندگی در آن را تجربه می‌کند؛ لذا گفتگو، تعامل و برقراری ارتباط را در ابتدای زندگی‌اش در خانواده می‌آموزد و چنانچه مورد تأیید خانواده قرار گیرد گرایش بیشتری به سمت ارزش‌های خانواده پیدا می‌کند (Khoshsafa & Kafashi, 2018).

مدل نظریه‌نوسازی در گذشته برای تبیین تغییرات خانواده عمومیت داشت اما در چند دهه‌ی اخیر، این باور عمومیت پیدا کرده است که عوامل ساختاری نمی‌توانند تغییرات

1. Berger
2. Knoblauch

خانواده را در سراسر جهان به شکل یکسان تبیین کنند؛ چرا که نیروهای فکری و هنجاری نقش مستقیمی در شکل‌گیری باورها به خانواده دارند؛ به عبارت دیگر، هنجارهای معطوف به ازدواج، روابط بین زوجین، روابط بین نسل‌ها و جایگاه کودکان در خانواده متأثر از نیروهای فکری تغییر می‌کنند. در مورد اینکه نیروهای فکری طی چه فرآیندی تغییرات خانواده را رقم می‌زنند، رویکردهای نظری متنوعی وجود دارد که نوعی تعامل بین نیروهای تغییر و نیروهای مقاومت در آن‌ها پذیرفته شده است. در این زمینه رویکردهای تلفیقی افرادی چون گیدنز و بوردیو وجود دارد که در اینجا کمی به نظریات گیدنز پرداخته می‌شود که تکمله‌ای است بر آنچه پیش‌تر از نظریات وی سخن گفته شد. در واقع یکی از مشهورترین رویکردها به تغییرات خانواده در جامعه‌شناسی معاصر، نظریه فردگرایی گیدنز و بک است؛ که تأثیر مدرنیته متأخر را بر ساختار و کارکرد خانواده از خلال فردی شدن و نهادزدایی از خانواده تئوریزه کرده‌اند. براساس این رویکرد، نهادهای سنتی مانند دین و خانواده در دوره‌ی معاصر به شدت در حال خروج از عرصه‌های زندگی هستند. به موازات کاهش تأثیرگذاری نهادها، نیز فرآیند فردی شدن تصمیم‌های زندگی از خلال بازاندیشی قوت گرفته است (Afsharkohan et al, 2020).

در مقابل رویکردهای کلاسیک که از نقش پررنگ خانواده در روابط فرد سخن می‌رانند نظریاتی قرار دارند که از کاهش قدرت خانواده و چه بسا افول آن سخن می‌گویند. این نظریات از آنجایی آغاز می‌شوند که در دهه‌های اخیر افزایش چشمگیر تعداد زنان و مادرانی را می‌بینیم که در بیرون از خانه مشغول کار هستند. استقلال اقتصادی زنان، جایگاه اجتماعی آنان را ارتقاء داده و منجر به ارائه‌ی تعریفی جدید از رابطه‌ی زناشویی شده است. امروزه زنان تلاش می‌کنند تا میان کار و خانواده خود توازن و تعادل ایجاد کنند؛ اما مردان همچنان بر نقش قبلی خود در خانواده پافشاری می‌کنند. نتایج تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که زنان بسیار سریع‌تر می‌توانند نقش خود را در بیرون از خانه عوض کنند تا مردان در داخل خانه. همین مسأله سبب فشار بیشتر بر زنان می‌شود. خستگی بیش‌ازحد را می‌توان دلیل کاهش روابط عاطفی زنان با همسر و فرزندان دانست. در این شرایط زنان با وجود میل باطنی خود توانی ندارند تا پاسخگوی نیازهای عاطفی اعضای خانواده باشند. در مواردی زنان برای ایجاد توازن در محیط خانه و کار، اقدام به استخدام خدمتکار می‌کنند. به‌علاوه بسیاری از پژوهش‌های انجام شده، نشان می‌دهد، زمانی که زنان از نظر اقتصادی به مردان وابستگی داشتند، بیشتر به ازدواج علاقه نشان می‌دادند. کسب درآمد و استقلال مالی توقع زنان را از ازدواج بالا برده و نسبت به انتخاب همسر، سخت‌گیری بیشتری از خود

نشان می‌دهند. از این گذشته، زنان دیگر بر این باور نیستند که باید موجبات آرامش همسر و تک‌تک اعضای خانواده را فراهم کنند و اگر زنان نقش آرامش‌آفرینی خود را ایفا نکنند، نمی‌توان برای آن جایگزینی پیدا کرد و آرامش و ثبات، حلقه‌ی گمشده‌ی روابط خانوادگی خواهد بود. حال می‌توان یکی از عوامل تحول در نهاد خانواده را فرهنگ جهانی‌سازی دانست که یکی از دستاوردهای نوگرایی در دوران معاصر است. سنت‌های بومی، ارزش‌ها، آداب‌ورسوم، باورهای مذهبی، شیوه‌های مرسوم زندگی خانوادگی، شیوه‌ی مصرف و حتی تولید، همه و همه زیر سایه‌ی فرهنگ رایج غربی قرار گرفته‌اند (Mohammadi & Jamali, 2016).

نظریات مربوط به افول خانواده مهم‌ترین تغییراتی که طی چند دهه‌ی اخیر در حوزه‌ی خانواده در غرب اتفاق افتاده است را چنین می‌دانند: شکل‌گیری اشکال مختلف خانواده، کاهش قدرت کنترل رفتارهای جنسی اعضای خانواده، کاهش نقش حمایت‌گری عاطفی خانواده و ناکارآمدی این نقش در برابر واقعیات زندگی مدرن، کاهش زمان حضور والدین در خانه و افزایش تنهایی‌های کودکان، افزایش خودمختاری افراد، کاهش فزاینده فشار هنجارهای الزام‌آور ازدواج و متأهل ماندن، کاهش اعتقاد به نقش‌های جداگانه برای مرد و زن (همسران)، افزایش میزان مادری بدون ازدواج، کاهش انگیزه و گرایش به بچه‌دار شدن، کاهش ارزش نقش مادری از دیدگاه زنان، کوچک شدن ابعاد خانواده و افزایش میزان همزیستی بدون ازدواج. در برابر این گروه از نظریه‌پردازان افرادی قرار دارند که معتقدند ساختار خانواده همچنان به قوت خود باقی است. آنان می‌گویند باوجود نگران‌کننده بودن برخی روندها و آمارها که درباره‌ی مشکلات خانواده ارائه شده، برخی صاحب‌نظران این آمارها را آن‌چنان که صاحب‌نظران تئوری انحطاط خانواده می‌پندارند خطرناک نمی‌دانند. به عقیده‌ی آنان رواج هم‌خانگی پیش از ازدواج تهدیدی برای ازدواج محسوب نمی‌شود، چراکه این روابط یا به حالت ازدواج قانونی درمی‌آید یا پس از چند سال پایان می‌پذیرد. درباره‌ی افزایش نرخ طلاق هم مخالفان تئوری زوال خانواده معتقدند که در مورد اثرات منفی طلاق اغراق شده است. ضمن این که امروزه بالا بودن آمار طلاق به معنی پایین آمدن آمار ازدواج و ازدواج مجدد نیست و آمارها نشان می‌دهد اکثریت افراد طلاق گرفته به ازدواج مجدد و تشکیل خانواده متمایل‌اند (Jamshidiha et al, 2014).

در مجموع نظریه‌پردازان رویکرد نوسازی همچون اسملسر و پارسونز بر تمایزات ساختی و تفکیک جامعه مدرن و جامعه سنتی تأکید دارند؛ اما نظریه‌پردازی چون اینگلهارت علی‌رغم اینکه نظریات نوسازی را در ابتدا می‌پذیرد به بخش‌هایی از آن انتقاداتی وارد کرده

و کلیت این نظریه را نمی‌پذیرد در نتیجه به بازسازی نظریه نوسازی همت گمارده و از نسل‌های جدید به‌عنوان عاملان تغییر در جامعه یاد می‌کند. از طرف دیگر نظریه‌پردازانی چون اسملسر در قالب رویکرد نوسازی تمایز ساختی را در تغییر ارزش‌ها مؤثر می‌داند. پاسونز نیز بر تفکیک و تمایزات در جامعه مدرن تأکید کرده و متغیرهای الگویی را در دو نوع جامعه سنتی و مدرن مورد بررسی قرار می‌دهد. گیدنز و برگر نیز بر تفاوت جهان مدرن و سنتی اشاره می‌کنند و مفهوم بازاندیشی را مطرح کرده و آن را ویژگی انسان مدرن می‌دانند. به عبارتی افراد در جامعه مدرن به بازاندیشی پرداخته اما در جامعه سنتی جهان معنایی افراد یکپارچه هستند. به دلیل تکثری که بر جهان مدرن حاکم است افراد نمی‌دانند ارزش‌هایشان را در کدام چارچوب ساماندهی کنند. به باور اکثر نظریه‌پردازانی که نظریاتشان در اینجا مطرح شد تفکیکی میان جهان مدرن و جهان سنتی برقرار است و هر کدام ویژگی‌های متمایزی دارند و تحولات پیش‌آمده را منبع گذر از جهان سنتی به مدرن می‌دانند. نظریه‌پردازانی چون کلی و ولخارت بر تأثیر گروه بر فرد تأکید می‌کنند. به عبارتی حضور فرد در گروه را منبعی برای تأثیر گروه بر فرد و پذیرش بیشتر وی می‌دانند. از سوی دیگر نظریاتی مطرح شدند که بر استقلال اقتصادی زن و تغییر نقش وی در دهه‌های اخیر اشاره می‌کنند و آن را منبعی برای تغییر خانواده و ارزش‌های سنتی حاکم بر آن می‌دانند که نتیجه‌ی نهایی آن کاهش قدرت خانواده است. در برابر آنان نظریه‌پردازانی قرار دارند که انحطاط خانواده را خطرناک ندانسته و هنوز هم افراد جامعه را حتی مطلقه‌ها را متمایل به ازدواج و تشکیل خانواده می‌دانند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، اکتشافی و از نظر نوع توصیفی-تحلیلی است. از نظر شیوه گردآوری اطلاعات و نتایج نهایی، پژوهشی کیفی محسوب می‌شود. بدیهی است در پژوهش‌های کیفی که محقق با بهره‌گیری از رویکرد کل‌گرایانه، در پی فهم عمیق پدیده‌های پیچیده بوده و بی‌واسطه در ارتباط با متعلق پژوهش خود هست، به مراتب عاملیت انسان، نقش فعال‌تر و مؤثرتری را ایفا می‌کند. یکی از دلایل مهم برای بهره‌گیری از رویکرد کیفی در حوزه علوم انسانی، تأکید پژوهش‌های کیفی بر عنصر اختیار انسان است (Taheridemne, 2016)؛ لذا در این پژوهش نیز از روش کیفی بهره‌گیری شده است. جامعه آماری خبرگان حوزه‌های جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی بودند. حجم نمونه بر اساس اشباع نظری محاسبه گردید که شامل ۱۷ نفر از خبرگان بودند. مبنای مصاحبه‌های

انجام‌شده، تحلیل آینده‌ی ارزش‌های خانوادگی در ذهن خبرگان بود چنانکه با استفاده از ابزار مصاحبه نظرات ۱۷ نفر از آن‌ها در حوزه‌ی مسائل خانواده جمع‌آوری شد. مصاحبه‌ها در نفر ۱۴ به اشباع رسید اما به‌منظور اطمینان بیشتر تا نفر ۱۷ ادامه پیدا کرد. ۴ نفر از این خبرگان دارای مدرک کارشناسی‌ارشد و ۱۳ نفر از این افراد در حال تحصیل در مقطع دکتری و یا عضو هیئت‌علمی دانشگاه بودند. حوزه‌های تخصصی این خبرگان شامل جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی است. انتخاب این خبرگان با روش نمونه‌گیری هدفمند یا قضاوتی صورت گرفت. به‌منظور طراحی پروتکل مصاحبه از مرور ادبیات، تکنیک پستل و WIH۵ سؤال استفاده شد. سؤالات به نحوی طراحی گردید که ارزش خانواده در ۲۰ سال آینده از مخاطب پرسیده شود. یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، عدم دسترسی محققین به پژوهشگران برجسته در حوزه‌ی جامعه‌شناسی و آینده‌پژوهی بوده به عبارتی محدودیت‌های حاصل از شرایط شیوع ویروس کرونا و عدم حضور اساتید و خبرگان برجسته، حلقه‌ی حضور خبرگان فرهیخته را برای محققین تنگ‌تر کرد اما محققین در انتخاب خبرگان علاوه بر سوابق نظری بر سوابق تجربی خبرگان نیز متمرکز شدند. به عبارتی دیدگاه تئوریک به همراه کار و سابقه‌ی قبلی در حوزه‌ی خانواده برای دانشجویان و اعضاء هیئت علمی مدنظر قرار گرفت. هر چند در این راستا محققین با بیش از ۵۰ خبره‌ی علمی گفتگو کرده و بعضاً حاضر به مصاحبه نشدند اما محققین را در گزینش افراد خبره، شایسته و دارای سوابق نظری و تجربی در حوزه‌ی خانواده یاری رساندند. به‌طوری‌که دانشجویان انتخابی در امور مطالعات خانوادگی دارای مقالات و پژوهش‌های متعدد بوده و در امور مربوط به بهزیستی خانواده و ارگان‌های مرتبط با سرپرستان و اعضاء خانواده در ارتباط مستقیم قرار داشتند.

به‌منظور تحلیل مصاحبه‌ها از تحلیل‌تم و تحلیل لایه‌ای علی استفاده گردید. تحلیل لایه‌ای علی نخستین نظریه و روش جدید و عمده آینده‌پژوهی پس از روش دلفی در چهل سال گذشته است. این روش به دنبال حرکت در فراسوی سطح ظاهری پژوهش‌های متعارف علوم اجتماعی و روش‌های پیش‌نگری است، چرا که این روش‌ها در اغلب موارد توانایی شکافتن و طرح مسائل گفتمان‌ها، جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها را ندارند و نمونه‌های آرمانی، اسطوره‌ها و استعاره‌ها را بیان نمی‌کنند (Safdariranjbar et al, 2016). تحلیل لایه‌ای علی تا حد زیادی ناشی از پساساختارگرایی، کلان تاریخ‌ها و نظریه فرهنگی پسااستعماری است. این روش کمتر به پیش‌بینی یک آینده خاص توجه دارد و بیشتر به گشودن فضای حال و گذشته جهت خلق آینده‌های بدیل می‌پردازد. تحلیل لایه‌ای علی

چهار سطح دارد. سطح اول سطح لیتانی است که جایگاه روندهای کمی، مشکلات و مسائلی است که اغلب به دلایل سیاسی در مورد آنها اغراق شده است و معمولاً توسط رسانه‌های خبری بیان شده است (مانند جمعیت بیش از حد). سطح دوم علل اجتماعی است. این سطح به علل نظام‌مند از جمله عوامل اقتصادی، فناورانه، سیاسی، زیست‌محیطی، تاریخی ارتباط دارد. تعابیر در این سطح مبتنی بر داده‌های کمی است. سطح سوم گفتمان یا جهان‌بینی است مثلاً رشد جمعیت و دورنمای تمدنی خانواده، فقدان قدرت زنان، فقدان امنیت اجتماعی و

در این مرحله به اکتشاف این امر پرداخته می‌شود که چگونه گفتمان‌های مختلف (ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی‌های بیان شده از طریق تمدن‌ها و معرفت‌ها) بیش از علت یا میانجی یک موضوع هستند و به عبارت دیگر آن را می‌سازند. سطح چهارم استعاره و اسطوره است. در این سطح داستان‌های عمیق و الگوهای جمعی مسأله (ابعاد ناخودآگاه و اغلب احساسی مشکل) وجود دارند. زبان مورد استفاده کمتر خاص و ویژه است و ارتباط بیشتری با تصاویر دیداری و رو به تکامل دارد و به لمس قلب به جای خواندن ذهن می‌پردازد. این سطح ریشه و مبدأ طرح پرسش است.

در فاز اول تحقیق مصاحبه‌ها با روش تحلیل‌متم، بررسی شدند و تم‌های اصلی و فرعی مشخص شدند. در فاز دوم یافته‌های تحلیل‌متم در قالب ۴ سطح تحلیل لایه‌ای علی دسته‌بندی شدند. این سطوح همان‌طور که اشاره شد عبارت‌اند از: لیتانی، علل اجتماعی، گفتمان یا جهان‌بینی، اسطوره. لیتانی آشکارترین و عینی‌ترین سطح است. واقعیت‌هایی است که در جامعه دیده می‌شود. علل اجتماعی مجموعه‌عللی است که سبب واقعیت‌هایی می‌شود که در سطح لیتانی مطرح می‌شود. گفتمان این است که کدام گفتمان یا جهان‌بینی سبب بروز مسائل ذکر شده می‌شود. سطح استعاره‌ها و اسطوره‌ها عمیق‌ترین و پیچیده‌ترین سطح است که جایگاه بیان احساسات است. پیچیدگی این لایه از چند منظر قابل تأمل است. اول آنکه احساسات وقتی به صورت جمعی مدنظر قرار گیرند، پای محقق را به حوزه‌ی روانکاوی اجتماعی و بررسی ناخودآگاه جمعی باز می‌کند و دوم آنکه هر دو واژه‌ی اسطوره و استعاره خود پیچیده و چندبعدی هستند.

برای افزایش اعتبار تم‌های شکل‌گرفته، از سه عنصر اعتبار پذیری، انتقال‌پذیری و تأیید پذیری گوبا و لینکلن (1985) استفاده شد؛ اعتبار پذیری از طریق خود‌بازبینی محقق در فرآیند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و نیز کاربرد تکنیک تثلیث، انتقال‌پذیری از طریق توسعه و توصیف داده‌ها در طول مرحله گردآوری و استفاده از رویه‌های ویژه در تحلیل

تماتیک عوامل بررسی شده و برای دستیابی به تأیید پذیری کلیه داده های خام، یادداشت ها و اسناد برای بازبینی های بعدی نگه داشته شده تا کیفیت یافته ها و تفسیرها و قضاوت در مورد آنها توسط سایر محققین صورت گیرد.

یافته های تحقیق

آمار توصیفی خبرگان

در این تحقیق با ۱۷ نفر مصاحبه گردید که آمار توصیفی آنها به شرح زیر است:

جدول ۱. آمار توصیفی مصاحبه شونده ها

Table 1. Descriptive statistics of interviewees

جنسیت	تحصیلات	شغل	سابقه کاری
مرد	دکتری تخصصی	عضو هیئت علمی دانشگاه	۱۳ سال
مرد	دکتری تخصصی	عضو هیئت علمی دانشگاه	۱۱ سال
مرد	دکتری تخصصی	عضو هیئت علمی دانشگاه	۱۳ سال
مرد	دکتری تخصصی	عضو هیئت علمی دانشگاه	۱۱ سال
زن	دکتری تخصصی	عضو هیئت علمی دانشگاه	۱۰ سال
زن	دکتری تخصصی	عضو هیئت علمی دانشگاه	۵ سال
مرد	دکتری تخصصی	عضو هیئت علمی دانشگاه	۷ سال
مرد	دانشجوی دکتری	پژوهشگر	۳ سال
مرد	دانشجوی دکتری	کارمند	۸ سال
مرد	دانشجوی دکتری	مدرس	۱۰ سال
مرد	دانشجوی دکتری	پژوهشگر	۱ سال
مرد	دانشجوی دکتری	مدرس	۲ سال
زن	دانشجوی دکتری	فاقد شغل	—
زن	دانشجوی کارشناسی ارشد	مدرس	۲ سال
زن	دانشجوی کارشناسی ارشد	کارمند	کمتر از ۱ سال
زن	کارشناسی ارشد	مدرس	۶ سال

تحلیل در لایه اول (لیتانی)

تحلیل در سطح لیتانی مربوط به آن چیزهایی است که بدون پرسش جدی در باب موضوع مورد نظر، از دید همگان در دسترس است. در واقع این لایه ناظر بر عینی ترین و آشکارترین سطح تحلیل است. در سطح لیتانی یک پرسش اساسی آن است که عینی ترین وجوه باورها،

آرزوها و عقاید مربوط به آینده کدام‌اند؟ برای پاسخ بدین سؤال به بررسی تکرارشونده‌ترین تصاویر پرداخته می‌شود.

جدول ۲. تحلیل در سطح لیتانی

Table 2. Litany level analysis

راهکارها	مقوله فرعی	مقوله اصلی	ردیف
<p>۱- تغییر قوانین مربوط به حضانت فرزند</p> <p>۲- فراهم کردن شرایط رفاهی برای ازدواج جوانان به‌ویژه در شهرهای بزرگ</p> <p>۳- تصویب قوانینی در جهت حمایت از سالمندان</p> <p>۴- تهیه برنامه‌های آموزشی در جهت بهسازی روابط نسل‌های مختلف</p>	<p>۱- کوچک شدن خانواده و شکل‌گیری خانواده‌ای متمایز و کوچک‌تر از هسته‌ای</p> <p>۲- تعویض نقش زن و مرد</p> <p>۳- تعارض نقش‌ها (یک فرد و چند نقش)</p> <p>۴- سالمند آزاری</p> <p>۵- فرزندان بدون پدر</p> <p>۶- زایمان بدون درد</p> <p>۷- کاهش نرخ ازدواج</p> <p>۸- افزایش میزان طلاق</p> <p>۹- بالا رفتن سن ازدواج</p> <p>۱۰- جابه‌جایی قدرت</p> <p>۱۱- فرزند سالاری</p> <p>۱۲- احترام به‌مثابه حلقه گمشده دو نسل</p> <p>۱۳- استقلال فرزندان به‌ویژه دختران</p> <p>۱۴- کاهش قدرت و تسلط خانواده</p> <p>۱۵- تغییر نظام تصمیم‌گیری در خانواده</p> <p>۱۶- هرم افقی قدرت در خانواده</p> <p>۱۷- فرزندان تصمیم‌گیرنده</p>	<p>تغییرات کالبدی خانواده به فراخور زمان</p>	1
<p>۱- ایجاد امکانات رفاهی و ساماندهی دولت رفاه</p> <p>۲- تقویت آگاهی‌های پیش از ازدواج</p>	<p>۱- نگرانی و تردید در تشکیل خانواده</p> <p>۲- ناامیدی و عدم مبادرت به ازدواج</p> <p>۳- بحران هویت</p>	<p>بحران حیات</p>	2
<p>۱- اتخاذ تصمیمات پزشکی در مورد مسائل زیستی شکل‌های جدید رابطه</p> <p>۲- بهره‌گیری از کارشناسان خبره در جهت مشاوره و آموزش افراد برای انتخاب و تصمیم‌گیری</p>	<p>۱- ایجاد رابطه نه تشکیل خانواده</p> <p>۲- برقراری رابطه از سر نیاز</p> <p>۳- ناپایداری خانواده‌ها</p> <p>۴- رابطه جنسی در لفاف عشق</p> <p>۵- سردی روابط اعضای خانواده</p> <p>۶- تعیین‌کنندگی روابط</p> <p>۷- کالایی شدن روابط</p> <p>۸- شکل‌گیری پشت‌صحنه و جلوی صحنه در روابط بین افراد</p>	<p>انقراض خانواده</p>	3

جدول شماره (۲) نشان می‌دهد که در سطح لیتانی، ۳ مؤلفه ظاهر شده‌اند. مؤلفه‌های ۳ گانه از مطالعه‌ی چندباره‌ی تم‌های اصلی و فرعی حاصل از تحلیلتم که از مصاحبه‌ها حاصل شده به دست آمده است. این سه مؤلفه عبارت‌اند از: تغییرات کالبدی خانواده به فراخور زمان، بحران حیات، انقراض خانواده (این مؤلفه‌ها با نظریات مربوط به افول خانواده همخوانی دارد). مؤلفه‌های ذکر شده باورها و تصاویری از آینده‌ی خانواده در ایران در ذهن خبرگان را نشان می‌دهد. تغییرات کالبدی سلسله تغییراتی است که محور اصلی آن مربوط است به این امر که خانواده کوچک می‌شود و قدرت خود را از دست می‌دهد. به عبارتی خانواده‌های پدرسالاری که در گذشته و در جوامع سنتی بر جامعه مسلط بودند و تمام وظایف را تعیین می‌کردند، همه‌ی افراد زیردست پدر خانواده بودند از بین رفته و همان‌طور که اسملسر اشاره می‌کند واحدهای وسیع خویشاوندی گسترده‌ی خود را از دست می‌دهند و ماحصل جامعه مدرن نوعی فردگرایی است که گیدنز و بک نیز به آن اشاره کرده و از کاهش تأثیرگذاری نهادهای سنتی چون خانواده و دین سخن می‌رانند. فردگرایی با خود تصمیم‌گیری‌های شخصی و کمرنگ شدن وجدان جمعی را در پی دارد و گاه تا بدان جا پیش می‌رود که به فرزندسالاری و خودمحوری می‌رسد. خانواده، منزلت و جایگاه اجتماعی پیشین خود در جامعه سنتی را از دست داده و جوانان قدرت تصمیم‌گیرندگی دارند و این قدرت آن‌ها، عدم میل و رغبت به ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج را موجب می‌شود. در نتیجه حیات خانواده با مشکل روبه‌رو شده و روابط میان زن و مرد حول محور نیازهای جنسی شکل می‌گیرد. بدیهی است که کنترل این روابط دشوار است. مؤلفه‌های سه‌گانه نشان می‌دهند خانواده‌ی ایرانی عمیقاً با بحران‌های مختلفی روبروست و پیامد این بحران‌ها چیزی نیست مگر انقراض و فروپاشی خانواده. در این زمینه قانعی‌راد (۱۳۹۶) با بررسی آینده‌ی وضعیت خانواده در ایران از بعد ساختار قدرت معتقد است، یکی از زمینه‌های اساسی تحول بنیادین در جامعه‌ی ایرانی، دگرگونی در ساختار قدرت در خانواده است. به باور او، در شرایط کنونی خانواده در وضعیتی در میانه‌ی «فروپاشی» و «مدنی شدن» قرار دارد و نباید انتظار داشت در آینده یکی از آن‌ها بر دیگری غلبه کند، بلکه این دو شکل متعارض می‌توانند هم‌زمان وجود داشته باشند (افشارکهن و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۹۹).

تحلیل در لایه‌ی دوم (علل اجتماعی)

در این لایه به تصاویر آشکاری که در سطح لیتانی ساخته شده‌اند، پاسخ داده می‌شود و ذکر می‌شود این تصاویر چه علل اجتماعی دارند؟ و چه کسی باعث ایجاد این تصاویر می‌شود؟

در سطح علل اجتماعی از تحلیل پستل برای رسیدن به علل آینده‌ی تغییر ارزش‌ها در ذهن خبرگان پرداخته می‌شود. تحلیل پستل به‌عنوان یکی از اصول بازاریابی، تحلیل محیط به‌مثابه یک کل است که کسب‌وکار در آن فعالیت یا محصولاتش را عرضه می‌کند. همچنین شرکت‌ها از این مفهوم به‌عنوان ابزاری برای بررسی محیطی که در آن فعالیت می‌کنند یا قصد دارند محصول، خدمات یا پروژه‌ای را در آن شروع کنند استفاده می‌کنند. این‌ها عواملی نظام‌مند هستند که خارج از کنترل افراد قرار دارند. پستل سرنام واژه‌های زیر است: سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، تکنولوژیک، محیطی، قانونی. در تحلیل لایه‌ی دوم تحلیل پستل به معنای در نظر گرفتن مجموعه‌ای از علل به کار گرفته‌شده است.

جدول ۳. تحلیل در سطح علل اجتماعی

Table 3. Analysis at the level of social causes

راهکارها	مقوله فرعی	مقوله اصلی	ردیف
۱- اتخاذ سیاست‌هایی مبنی بر ایجاد پیوندهایی ماندگار ۲- پر کردن خلأ بین جهان سنتی و افراد ۳- ایجاد سیاست‌های تبلیغاتی درزمینه‌ی حفظ کانون خانواده ۴- اتخاذ تدابیری برای ایجاد مجدد خانواده هسته‌ای	۱- گستره‌ی وسیع دانش ۲- زنان تحصیل کرده و مردان در بازار آزاد ۳- تحرک طبقاتی/ تنوع سبک زندگی و تکثرگرایی ۴- تضعیف قدرت هژمونیک نظام‌های تبلیغاتی در حوزه‌ی خانواده ۵- حاکمیت فردگرایی ۶- تغییر گفتمان غالب بر نظام خانواده ۷- نبود نظارت‌های غیررسمی ۸- کاهش اقتدار نیروهای قهریه ۹- ناتوانی سنن در برابر محرک‌های نرم‌افزاری محیطی ۱۰- شکستن جبرهای جغرافیایی، محیطی و...	فرد و فشار ساختار سنتی	1
۱- ایجاد تسهیلات رفاهی برای ازدواج در قالب گفتمان‌های رایج نه گفتمان‌های تازه شکل گرفته ۲- تقویت نظارت‌های غیررسمی و مذاکره و تعامل با خانواده‌ها جهت کنترل روابط فرزندانشان ۳- تغییر و اصلاح قوانین	۱- شکل‌گیری جنبش‌های مربوط به هم‌جنس‌گراها ۲- حمایت وکلا و هنرمندان جامعه بین‌المللی از هم‌جنس‌گراها و انواع دیگر رابطه ۳- تأیید انواع رابطه توسط پزشکان ۴- قوانینی در حمایت از دادن حق حضانت فرزند به زنان	مطالبات حقوقی	2

ردیف	مقوله اصلی	مقوله فرعی	راهکارها
3	ناکارآمدی زیربنا	۱- ادامه یافتن وضعیت اقتصادی کنونی (کاهش) قدرت خرید، کاهش میزان نقدینگی، اقتصاد رانتي یا وابسته) ۲- گسترش مشکلات اقتصادی و معیشتی ۳- دخالت سرمایه‌داران در زندگی خصوصی افراد به‌وسیله تبلیغات/ پذیرش تنوع فرهنگ‌ها ۴- از بین رفتن دموکراسی عاطفی ۵- نابرابری میزان تحصیلات زنان و مردان	۱- اصلاحات اقتصادی تا رسیدن به رونق اقتصادی ۲- بهره‌گیری از روانشناسان و جامعه‌شناسان برای درمان آنچه تحت عنوان بحران عاطفی اتفاق افتاده. ۳- از بین بردن مشکلات اقتصادی و معیشتی یا ایجاد تسهیلات و امکانات ۴- ایجاد فرصت‌های اشتغال و تقویت ارزش‌هایی چون تلاش و موفقیت ۵- گسترش شبکه‌های حمایتی جامعه
4	مدرنیته	۱- توسعه صنعتی و فرهنگی ۲- مهاجرت ۳- دگرگونی معنای عشق (توجه صرف به رابطه جنسی) ۴- فروپاشی تعهد ۵- افزایش فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ۶- انقلاب در نقش‌های جنسیتی ۷- به رسمیت شناختن بیماری‌های اجتماعی و روانی و نه پزشکی شدن آن‌ها ۸- آپارتمان‌نشینی و تشدید فاصله اجتماعی ۹- پیشرفت دانش پزشکی و مرگ‌ومیر کمتر ۱۰- رشد و پیشرفت تکنولوژی و گسترش ارتباطات ۱۱- توسعه شهرها و ارتباطات متنوع و متکثر ۱۲- دهکده‌ی جهانی و گسترش ارتباطات ۱۳- فروریختن مرزهای حاکمیتی دولت‌ها بیش‌ازپیش	۱- تغییر سبک زندگی افراد توسط مشاوره با آن‌ها ۲- تأمین امکانات رفاهی بیشتر و سهولت بیشتر در امر ازدواج ۳- ایجاد فرصت برای کودکانی با هوش و توانایی کمتر ۴- ایجاد امکانات برای کودکان تازه متولدشده

جدول شماره (۳) نشان می‌دهد که ۴ سطح به‌عنوان علل اجتماعی شناسایی شده‌اند. این مؤلفه‌ها به ترتیب علت‌های اجتماعی هرکدام از مؤلفه‌های سطح لیتانی را بیان می‌کنند و می‌توانند از علل اجتماعی به وجود آمدن شکل‌های جدید خانواده باشند. این چهار سطح عبارت‌اند از فرد و فشار ساختار سنتی، مطالبات حقوقی، ناکارآمدی زیربنا و مدرنیته. علل اجتماعی ۴ گانه نشان می‌دهد که فرد و فشار ساختار سنتی یک دوگانه است. دوگانه‌ای که نظریه‌پردازانی چون گیدنز به آن می‌پردازند و برخلاف نظریه‌پردازان کلاسیک نگاه تلفیقی به آن دارند. درواقع فرد در برابر فشار ساختار قرار می‌گیرد. از یک سو جامعه‌ی سنتی حاکم است و خانواده قدرت زیادی دارد. از سوی دیگر گفتمان غالب تغییر کرده. سبک زندگی

افراد و خانواده به‌طور کلی دگرگون شده است و به همین جهت است که با پدیده‌هایی روبرو هستیم چون فرزندسالاری که پیش‌ازاین در سطح لیتانی مطرح شد. از سوی دیگر با شکستن جبرها و اهمیت هر چه بیشتر فرد در برابر ساختار مطالبات حقوقی شکل می‌گیرد. مطالبات حقوقی، شکل‌گیری جنبش‌ها و... موجبات تغییر نقش زنان، کم شدن قدرت خانواده و در برابرش پررنگ شدن قدرت فرد را فراهم می‌کند. همان‌طور که نظریات مرتبط با کاهش قدرت خانواده مطرح می‌کنند علت اصلی این امر با فرهنگ جهانی‌سازی و استقلال اقتصادی زنان مرتبط است که به‌عنوان یکی دیگر از علل اجتماعی در سطح حاضر مطرح است. مسائل اقتصادی که با الهام از نظریات مارکس عنوان زیربنا را به خود اختصاص داده‌اند از مهم‌ترین مسائلی است که خانواده، نقش و اهمیت آن را در زندگی فرد کم رنگ می‌کند. زمانی که جوانان تشکیل خانواده و اساساً جامعه را با مسائل عمده اقتصادی می‌نگرند، بدیهی است که روابط ناپایدار را به روابط پایداری چون خانواده ترجیح می‌دهند. زمانی که جهانی‌سازی نقش‌های زن و مرد را تغییر می‌دهد و به‌طور اساسی نگرش‌ها را دگرگون می‌کند، دگرگونی از یک سو و ساختار سنتی پیشین از سوی دیگر در برابر یکدیگر ایستاده و به تمامی عرصه‌ها وارد شده و خانواده و سنت‌ها و رسوم آن را مورد تهدید قرار می‌دهد تغییر گفتمان غالب بر خانواده نیز از مؤلفه‌های مهم در این سطح است. مؤلفه‌هایی چون تغییر گفتمان غالب، رشد و پیشرفت تکنولوژی، شهرنشینی، توسعه شهرها و... خانواده را از شکل و شمایل گذشته آن جدا کرده‌اند. چنانکه خانواده در اشکال جدیدی ظهور پیدا کرده است. درواقع مردم تصور دیگری از تشکیل خانواده نسبت به گذشتگان دارند به‌طوری‌که خانواده بعضاً به‌عنوان صرف باهم بودن یا ابزار رابطه جنسی و فارغ از تعهد تعریف می‌شود، پس طبیعی است که گفتمان دیگری هنوز جانشین نشود و سردرگمی در حوزه‌ی خانواده را برای افراد در پی داشته باشد. مؤلفه‌های دیگری چون دگرگونی معنای عشق به تفاوت تصور نسل‌های مختلف از نوع رابطه و چگونگی آن می‌انجامد و افراد را به تنها زیستی و بی‌اعتمادی نسبت به عشق‌های تعریف‌شده توسط جامعه جدید سوق می‌دهد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد مسائل اقتصادی یکی از عوامل ضعیف شدن نهاد خانواده هستند و با ادامه مشکلات اقتصادی کنونی شاهد تجرد قطعی خواهیم بود که نشانه‌های آن را در جامعه کنونی نیز شاهد آن هستیم. به‌طوری‌که جامعه از نبود آنچه می‌توان دموکراسی عاطفی نام برد رنج می‌برد و شکل‌های جدید رابطه در حال شکل‌گیری است و حمایت جنبش‌های مختلف و قوانینی که وضع می‌شود می‌تواند به بحران پیش‌آمده کمک کند چنانکه روابط از نوع دیگری را در جامعه مشروعیت ببخشد. یکی از علل اساسی آنچه اشاره

شد همان‌طور که تنهایی و شکرپیگی مطرح می‌کنند مدرنیته است. چراکه تبادل اطلاعات، یادگیری و نوسازی به دنبال خود انواع تغییرات اجتماعی و فرهنگی را به دنبال دارد به عبارتی نوسازی با خود تغییر به همراه دارد و یکی از این تغییرات را می‌توان تغییر گفتمان غالب دانست. این بخشی از تغییرات است چراکه تغییرات همراه با نوسازی به عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و سایر حوزه‌ها راه پیدا می‌کنند و عقاید، باورها و تفکرات مردمان یک سرزمین را نیز با دگرگونی روبرو می‌کنند. همان‌طور که اشاره شد تنهایی و شکرپیگی (۱۳۸۷) بیان کردند که بستر خانواده ایرانی به دلیل تجدد دچار تحول و دگرگونی شده و در حال گذار از سنت به تجدد است. در این امر، واسطه‌هایی مانند سواد، شهرنشینی، میزان مسافرت‌های خارجی و فناوری‌های نوین ارتباطی نقش دارند (Afsharkohan, 2020: 799). جمشیدی‌ها و همکاران (۱۳۹۲) نیز در مطالعه‌ی خود به این امر اشاره کرده و خانواده‌ی ایرانی را در همه‌ی ابعاد تحت تأثیر مدرنیته می‌دانند. به باور آن‌ها وجود ساختارها و روابط سنتی، در کنار همتهای مدرن آن‌ها، گویای نامتقارن بودن دگرگونی است (Jamshidiha et al, 2014).

تحلیل در لایه‌ی سوم (گفتمان / جهان‌بینی / ایدئولوژی)

در این لایه این پرسش مطرح می‌شود که کدام جهان‌بینی، کدام ایدئولوژی و کدام گفتمان غالب در جامعه‌ی کنونی جاری است که باعث می‌شود چنان مسائل اجتماعی سر برآورند و در جهت آن‌ها به آن چنان تصاویر غالبی در سطح لیتانی برسیم.

جدول ۴. تحلیل در سطح گفتمان، جهان‌بینی و ایدئولوژی

Table 4. Analysis at the level of discourse, worldview and ideology

راهکارها	مقوله اصلی	ردیف
۱- ایجاد ارزش‌های مقبول و مشروع در جامعه ۲- ایجاد بسترهای پیگیری اهداف و ارزش‌های مطلوب در حوزه خانواده	جهان‌بینی خیامی	1
۱- ایجاد الزام در تأمین نیازهای حمایتی جوانان اعم از مالی، روانی و... ۲- تربیت نسل جوان برای مسئولیت‌پذیر شدن و مستقل بودن ۳- ترغیب نسل جوان جهت احترام به خانواده و تکریم آن	گفتمان ضد خانواده گرایی	2
۱- اتخاذ تدابیری در راستای ایجاد احساس توانایی و مسئولیت‌پذیری و عاملیت در جوانان ۲- ایجاد ارتباط سازنده میان سنت و رسوم و نسل جدید	خانواده پست‌مدرن	3

سه مقوله در سطح گفتمان مطرح شده است که عبارت‌اند از جهان‌بینی خیامی، گفتمان ضد خانواده‌گرایی و خانواده پست‌مدرن. اولین مؤلفه نشان می‌دهد فرد ترجیح می‌دهد جهان‌بینی خیامی داشته باشد و حال را غنیمت بشمارد تا اینکه نسبت به دیگران احساس تعهد و وفاداری کند. درواقع فرد به آینده‌ی خود و دیگران نمی‌اندیشد و به آنچه حال را برای او لذت‌بخش می‌کند می‌اندیشد. به عبارتی مسئولیت‌کنش‌ها و روابط خود را نمی‌پذیرد. فرد‌گرایی و جایگاه آن اهمیتی بیش از گروه می‌یابد. مقوله‌ی دوم و سوم به ترتیب عبارت‌اند از گفتمان ضد خانواده‌گرایی و خانواده پست‌مدرن. در گذار از سنت به مدرن اساساً گفتمان غالب چنان تغییر می‌کند که ساختار حاکم بر خانواده مبتنی بر سنن و آداب و رسوم که جمع‌گرایی، پدرسالاری و احترام به والدین را محترم می‌شمارد روزه‌روز شکننده‌تر شده چندان که به شکل‌گیری گفتمان ضد خانواده‌گرایی و اساساً روابطی متفاوت و نه بر پایه‌ی خانواده منجر می‌شود. روابطی چه بسا کوتاه‌مدت و ناپایدار و یا روابطی بر پایه‌ی لذت جنسی تا جایی که خانواده‌ی پست‌مدرن با ویژگی‌ها، ارزش‌ها و ساختار متفاوت شکل می‌گیرد. درواقع گفتمان خانواده پست‌مدرن حاصل ضعف گفتمان‌های غالبی چون «با لباس سفید می‌روی و با لباس سفید برمی‌گردی»، «سوختن و ساختن» است که اکنون و در افقی ۲۰ ساله کم‌رنگ‌تر می‌شود.

تحلیل در لایه‌ی چهارم (اسطوره/استعاره)

جدول ۵. تحلیل در سطح اسطوره/ استعاره

Table 5. Analysis at the level of myth / metaphor

ردیف	مقوله اصلی	راهکارها
1	پاییز	۱- علل انحطاط را دریافته تا با از بین بردن علل، معلول از بین برود. ۲- ایجاد فضای اقتصادی ایمن و رفاه نسبی ۳- از بین بردن فضای بی‌تفاوتی و خشونت‌آمیز نسبت به هم‌نوع، به‌ویژه نسبت به زنان و کودکان که وظیفه نهادهای فرهنگی جامعه است.
2	فقط خودم	۱- حمایت‌های مالی، روانی ساختارها و نهادهای کلان جامعه ۲- امنیت‌سازی و ایجاد فضایی ایمن برای افراد ۳- اتخاذ تدابیری در راستای اعتماد افراد نسبت به یکدیگر و اعتماد به نهادهای حمایتی ۴- تزریق احساس امیدواری به آینده ۵- ایجاد نشاط در بین جوانان
3	خانه به‌مثابه خوابگاه	۱- شکل دادن به جنبش‌ها و انجمن‌هایی برای حمایت از نهاد خانواده و بازگشت آن به جامعه ۲- تصویب قوانینی در جهت حفظ و حمایت خانواده به اولین نهاد جامعه‌پذیری

آخرین لایه در تحلیل لایه‌ای علی، سطح استعاره‌ها و اسطوره‌ها است که به‌عنوان عمیق‌ترین و پیچیده‌ترین سطح، جایگاه بیان احساسات است. پیچیدگی این لایه از چند منظر قابل‌تأمل است. اول آنکه احساسات وقتی به‌صورت جمعی مدنظر قرار گیرند، پای محقق را به حوزه‌ی روانکاوی اجتماعی و بررسی ناخودآگاه جمعی باز می‌کند و دوم آنکه هر دو واژه‌ی اسطوره و استعاره خود پیچیده و چندبعدی هستند. به نظر مارک شورر اسطوره عرصه‌نمایشی عمیق‌ترین حیات غریزی ماست، عرضه‌ی آگاهی بدوی انسان است در جهان که می‌تواند به هیئت‌های بسیار درآید و همه‌ی عقاید و نگرش‌های خاص به آن بستگی دارند. به اعتقاد آلن واتس^۲ اسطوره را باید مجموعه‌ای از داستان‌ها تعریف کرد-برخی بی‌شک واقعی و برخی خیالی- که انسان‌ها به دلایل مختلف آن‌ها را تظاهر معنای درونی جهان و زندگی انسان تلقی می‌کنند (Grin & Hamkaran, 2007). بر اساس آنچه از تحلیل لایه‌ای علی به دست آمد تحلیل اسطوره در ۳ مؤلفه مطرح شد که عبارت‌اند از پاییز

1. Mark Schorer
2. Alan W Watts

که کهن‌الگویی است که به‌وضوح تراژدی زندگی خانوادگی و سستی پیوندهای آن را تأیید می‌کند. خانواده اساساً با ویژگی‌ها و مشخصات قبلی از بین رفته و آنچه در برابرش شکل گرفته روابطی است که اصول و رسوم متفاوت از خانواده‌ای است که در زمان گذشته گسترده بود و امروز هسته‌ای است. به نظر می‌رسد خانواده در لایه‌های زیرینش با نوعی حرکات مواجه است، حرکاتی به سمت دگرگونی، تغییر شکل و بعضاً افول؛ بنابراین «پاییز» استعاره‌ای است از دگرگونی و تغییرات بیرون و درون خانواده و تغییرات ارزشی و ساختاری که بعضاً نقش خانواده را به‌عنوان نخستین گروهی که فرد رابطه را تجربه می‌کند تغییر می‌دهد. «فقط خودم» استعاره‌ای است از جنس کم‌اهمیت شدن جمع‌گرایی و حرکت به سمت فردگرایی، سوژه‌گی و سقوط قدرت تعیین‌کنندگی خانواده که درنهایت خانواده نقش خوابگاه را برای فرد ایفا می‌کند و حتی نقش‌های پناهگاه ایمن و مهربان را نیز از دست می‌دهد. از طرف دیگر «فقط خودم» اساساً به سمت فردمحوری و تن‌ندادن به مسئولیت‌های خطیر زندگی خانوادگی گرایش دارد. مؤلفه سوم «خانه به‌مثابه خوابگاه» به‌نوعی اشاره به تغییر کارکرد خانواده و نقش آن در زندگی افراد دارد. در این راستا خانواده دیگر واحد تولید و مصرف نیست بلکه مکانی ست برای خوابیدن و استراحت و نه کانون گرم همکاری و مشارکت، انسجام و تقویت پیوندها آن‌چنان‌که جامعه‌شناسان کلاسیک بر آن باور داشتند. در مجموع تغییر نقش خانواده و تبدیل آن به خوابگاه منجر به کاهش قدرت خانواده و افول آن گشته و این امر حکایت از شکل‌گیری ساختار، روابط و ارزش‌های جدیدی دارد که بعضاً از آن تحت‌عنوان خانواده پست‌مدرن یاد می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

در دهه‌های اخیر خانواده که اساسی‌ترین نهاد اجتماعی و مهم‌ترین آن برای افراد به‌ویژه در سال‌های نخستین زندگی فرد است در معرض تغییر و تحول قرار گرفته و شاهد تغییرات بیشتری نیز در این زمینه خواهیم بود چنانکه از تحقیق حاضر برمی‌آید خانواده به لحاظ شکل و ریخت‌شناسی تغییر پیدا می‌کند. این تغییر و تحولات تأمل و تفکر بیشتری را می‌طلبد و نشان می‌دهد که خانواده در افقی ۲۰ ساله با کاهش قدرت خود و تغییر نقش‌های کنونی‌اش روبرو می‌شود. به‌طوری‌که از گذشته‌اش فاصله گرفته و با ایجاد روابط جدید نوعی انحطاط را تجربه می‌کند. توجه به این امر ضروری است که نهادهای دیگر جامعه و واگذاری مسئولیت‌های خانواده به دوش آن‌ها یکی از منابع و دلایل این تغییرات است. همان‌طور که نظریه‌پردازان رویکرد نوسازی چون اسملسر به تغییراتی از این قبیل

اشاره می‌کنند: تضعیف نظارت مستقیم بزرگ‌ترها و هم‌جواری خویشاوندی بر خانواده هسته‌ای، افزایش گزینش شخصی در رابطه با ازدواج، ارتقای پایگاه و منزلت زنان در جامعه و افزایش فشار علیه دخالت خانواده در استخدام نیروی کار که همه آن را برخاسته از جدایی کارکردهای اقتصادی از خانواده می‌داند به عبارتی خانواده دیگر واحد تولید به حساب نمی‌آید.

از جمله عوامل تغییر خانواده پیشرفت تکنولوژی است که فرصتی برای شکل‌گیری جنبش‌ها و رسمیت پیوندهایی است که امروز نیز نمونه‌هایی از آن دیده می‌شود. از طرف دیگر بسیاری از افراد مسئولیت خطیر ازدواج و سرپرستی خانواده را نپذیرفته یا به‌دشواری می‌پذیرند چراکه با مشکلات اقتصادی و مسائلی همچون اعتماد و تعهد روبرو می‌شوند لذا ترجیح می‌دهند روابطی از نوع دیگر را انتخاب کنند. در واقع نابرابری تحصیلی و اشتغال زنان، ادامه مشکلات اقتصادی امروز منجر به انتخاب سبک زندگی متمایز از گذشته و امروز می‌شود و این امر زمانی شدت می‌یابد که روند شهرنشینی همان‌طور که در گذشته روبه رشد بوده به رشد خود ادامه دهد بدیهی است که این وضعیت گزینه‌های انتخاب را به‌ویژه در کلان‌شهرها تغییر داده چه‌بسا بیشتر می‌کند اما از سوی دیگر محلی برای تعهد افراد باقی نمی‌گذارد.

این تغییرات نشان می‌دهد که بیش از هر چیز گفتمان غالب بر ساحت خانواده تغییر کرده است. زمانی که گفتمان غالب تغییر می‌کند و گفتمان‌های دیگری جایگزین می‌شوند بدیهی است که کنشگری افراد در قالب ازدواج و خانواده تحت تأثیر گفتمان جایگزین قرار می‌گیرد. آنچه بیش‌ازپیش گریبان‌گیر خانواده به‌ویژه نسل‌های جدیدتر می‌شود ناامیدی و نگرانی نسبت به سرنوشت خود و خانواده است. شرایط ناپایدار اقتصادی و آمار و ارقامی که نشان‌دهنده ازدواج‌های ناموفق هستند، این نگرانی‌ها را چندین برابر می‌کند اما درعین‌حال نسل‌های جدیدتر ریسک‌پذیرتر به نظر می‌رسند و خانواده‌هایی متفاوت از خانواده‌های گذشته تشکیل می‌دهند. در نتیجه سبک زندگی متفاوتی را تجربه می‌کنند. همان‌طور که نتایج پژوهش کیم (۲۰۱۶) نشان می‌دهد که درک ارزش‌های خانواده و همچنین عوامل مؤثر بر درک ارزش‌های خانوادگی، بین سه نسل متفاوت است. ژاو و همکاران (۲۰۱۷) نیز بر تعارض کار در خانواده و خارج از خانه به‌ویژه در میان زنان اشاره می‌کنند که تعارض و تضاد این نقش‌ها از جمله مواردی است که به آن‌ها اشاره شده است. نتایجی که از تحلیل لایه‌ای علی در سطوح ۴ گانه به‌دست‌آمده نشان می‌دهد به‌طور کلی آنچه موجبات تغییر و دگرگونی در ارزش‌ها را بیش‌ازپیش پدید می‌آورد تنها

عاملان فردی نیستند درواقع سوژه هدف دگرگونی را تا حدی دنبال می‌کند. در کنار آن ساختارها هستند که در تعامل متقابل با سوژه‌ی انسانی به تغییرات دامن می‌زنند. به‌واقع علل اجتماعی یا مدل پستل تأثیر گسترده‌ای بر تغییر ارزش‌های خانواده می‌گذارد. آنچه از طریق آینده‌پژوهی می‌توان به آن رسید استقلال بیشتر زنان، اشتغال آنان، کاهش مولید، افزایش طلاق و... است. اینگلهارت نیز بر این نکته اشاره می‌کند که اگر یکی از عناصر جامعه بر ما معلوم باشد می‌توانیم با دقتی بسیار بیش از یک سنجش تصادف، درباره سایر اعضای آن جامعه دست به پیش‌بینی بزنیم. اینگلهارت با طرح نظریه دگرگونی ارزشی خود، بر این باور است که دگرگونی ارزشی به‌آرامی و از طریق جامعه‌پذیری نسل‌های جدید تحقق می‌یابد. وی نسل‌های جدید را همان‌طور که بین نسلی و ارزشی اشاره شد سوژه‌های تأثیرگذار بر روند تغییر ارزش‌ها می‌داند. درعین حال عامل انسانی خود تحت فشار نوسازی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است و دگرگونی‌ها را تجربه می‌کند. بدیهی است که روند روبه رشد شهرنشینی و مهاجرت فزاینده در جهان امروز و قرن بیست و یکم آنچه را که در آینده رقم می‌زند آشنایی هرچه بیشتر افراد متفاوت با فرهنگ‌ها و اقوام متفاوت دیگر است که در پی آن ازدواج‌ها را از شکل سنتی خود خارج می‌کند چراکه افراد سنن و رسوم خود را کنار گذاشته و به زندگی کنار همدیگر تن می‌دهند که بعضاً پذیرش جدایی برای آن‌ها از منظر قانونی راحت‌تر صورت می‌پذیرد. از سوی دیگر گسترش دانشگاه‌ها و تحصیلات از یک‌سو مزایایی داشته از سوی دیگر مضراتی دارد بنابراین محدود کردن ظرفیت‌ها از این گسترش جلوگیری می‌کند؛ لذا از مضرات آن نیز جلوگیری به عمل می‌آورد. عوامل اقتصادی بسیاری نیز می‌توانند در تصمیم به مجرد نقش داشته باشند. درواقع چنانچه وضعیت سیاست خارجی ایران تغییر نکند و مشکلات اقتصادی بر قوت خود باقی بماند مسلم آن است که افراد کمتر به ازدواج روی می‌آورند. این امر بر بیکاری، فقدان نقدینگی و ... تأثیر می‌گذارد و مسائل حمایتی امر ازدواج را مطرح می‌کند. از طرفی جامعه‌ای که با دانش بشری و اطلاعات و حجم عظیم آن به همراه تکنولوژی روبرو می‌شود با نگاهی به کشورهای توسعه‌یافته جنبش‌های مختلفی در حمایت از مسائل مختلف از جمله حقوق زنان شکل می‌گیرد؛ لذا به رسمیت شناختن آن‌ها و مذاکره با آن‌ها بهترین راه‌حل برای عدم تبدیل آن‌ها به خشونت و یا انقلاب است.

درمجموع آنچه از کاربرست تحلیل لایه‌ای علی به دست آمد اسطوره‌ها یا کهن‌الگوهایی است که با ناخودآگاه جمعی افراد پیوند دارد. این استعاره/ اسطوره‌هایی که برآیند آینده‌پژوهی ارزش‌های خانواده در ایران در تحقیق حاضر است ۳ مؤلفه است که عبارت

است از: «پاییز»، «فقط خودم» که بر تراژدی زندگی و تغییر معنای خانواده هسته‌ای و ناامیدی که گریبان گیر وضعیت خانواده می‌شود اشاره دارد. افراد جامعه برای تشکیل خانواده ترس‌ها و نگرانی‌های بی‌سابقه‌ای را تجربه می‌کنند. برای آن‌ها ریسک پذیرش مسئولیت در چنین شرایطی بسیار دشوارتر از آن چیزی است که در گذشته اتفاق افتاده است و این همان تفکیک ویژگی‌های جامعه‌ی سنتی و مدرن از نظر پارسونز است. «فقط خودم» اشاره دارد بر تصمیم‌گیرنده بودن فرد و تن ندادن به ازدواج تحت شرایطی که ذکر آن رفت. «خانه به‌مثابه خوابگاه» آخرین مؤلفه در میان اسطوره‌ها بود که بر استراحتگاه شدن خانه و حاکم شدن فضای مجازی و پنداشتن آن به‌مثابه فضای حقیقی تأکید می‌کند. بدیهی است که خانواده در این صورت تنها به‌وسیله و ابزار تبدیل می‌شود ابزاری برای ارضاء لذت. با توجه به اهمیت این موضوع در این راستا پیشنهاد می‌گردد که تحقیقاتی با رویکرد آینده‌پژوهی انجام شود تا برنامه‌ریزان و مسئولان بتوانند خانواده را احیاء کنند. انجام تحقیقات در حوزه‌ی خانواده و ارزش‌های آن نیز در این زمینه تأثیرگذار است چراکه کمبود چنین تحقیقاتی با توجه به اهمیت خانواده در ایران و تغییرات آن در دهه‌های اخیر به‌شدت احساس می‌شود. تأمین فرصت‌های شغلی برای مردان و زنان و امکانات و تسهیلات ازدواج برای جوانان نگرانی‌ها و تردیدها در این امر را کاهش می‌دهد. دستگاه‌های تبلیغاتی نیز می‌توانند برای ترغیب افکار عمومی به حفظ خانواده و ارزش‌های آن تلاش کنند. دستگاه‌های سیاسی و اجتماعی هم برای تطبیق نهاد خانواده با شرایط جدید تلاش کرده و ضروری است که این شرایط را فراهم کنند.

تشکر و سپاسگزاری

بر خود لازم می‌دانم از متخصصین حوزه‌ی جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی که در به انجام رسیدن پژوهش حاضر ما را یاری نمودند سپاسگزاری کنم. هم‌چنین ملاحظات و اصول اخلاقی ملازم هر پژوهش علمی در پژوهش حاضر رعایت گردیده است.

References

- Afsharkohan, J. Balali, E. Vaezzade, S. (2020). *Future research on family social change (presenting a combined theoretical model)*. Social Studies and Research in Iran, 9 (4): 818-793.
- Ali Akbari, S. Sabouri Khosroshahi. H. (2019). *"Comparison between Parents' and Children's Values (Study: All Families with Children aged 15-30 Residents of Tehran)"*. Iranian Social Sciences Studies: Fifth Year. 56: 1993-1997
- Andres De Los Reyes, Christine M. Ohannessian, Sarah J. Racz. (2018). *Discrepancies Between Adolescent and Parent Reports About Family Relationships*. society for Research in Child Development.
- Asgari, P, Azizabadi Farahani, F. Navabakhsh, M. Salehi Amiri, S.R. (2019). *"The Future of Cultural Capital Research in the Iranian Family by Modeling"*. Future Quarterly Journal of Management Research. 29 (112).
- Azadarmaki, T. Zahirnia, M. (2011). *"A Study of Valuable Types and Cultural Changes in the Family, Research Family"*. 6 (23): 297-279.
- Azkiya, M. Ghaffari, G. (2010). *Developmental Sociology*. 8th Edition, Tehran: Keyhan.
- Darabi, M. Clashlow, H. (2017). *"Study of the effect of Telegram social network and its effect on family values mechanism (Case study: youth in Tehran)"*. Strategic Studies of Sports and Youth. 15 (33): 1-42
- Eslami, R. (2017). *"The effect of using virtual networks on family values studied by families in Tehran's District 2 in 1994-95."* Thesis in Sociology. Faculty of Social Sciences. Islamic Azad University. Central Tehran Branch.
- Geoffrey, Ben, Madras Christian College, India. (2019). *Toward a Christian Definition of Marriage: A Historical, Sociological, and Theological Approach*. Journal of Sociology and Christianity
- Green, Wilfred. Morgan, L. Willingham, Ja.; (2007). *Fundamentals of Literary Criticism. Farzaneh Taheri: Fourth Edition*. Tehran: Niloufar Publications.
- Haghighatian, M. Darabi, M. (2016). *"Study of the effect of cultural modernization and its effective mechanism on family values (Case study: Nahavand city)"*. Quarterly Journal of Youth Sociological Studies. 6 (20): 57-88.
- Hasheminejad, S. Eivazi, M.R. Hajiani, I. Goljani Amirkhiz, I. (2019). *"Future Family Scenarios in Iran"*. Quarterly Journal of the Socio-Cultural Council of Women and Family. 13 (81). 47-82.
- Houser, Ari, (2019). *Innovation in Aging*. 3. Issue Supplement.

- Inglehart, R. (2017). *Culture and Democracy*. Seyed Ali Mortazavian. Culture and Everyday Life. Arghanoon: Fourth Edition.
- Jamshidiha, G, Sadeghi Fasaei, S, Lolaavar, M. (2014). *Sociological Attitude on the Impact of Modern Culture from a Gender Perspective on Family Developments in Tehran*. Women's magazine in culture and art. 5 (2):183-198.
- Karami, M.T, Moosavizade, M. (2016). *Typology of attitudes toward traditional family values*. (2): 68-95.
- Karami, M.T. Mousavizadeh, M. (2016). *"Typology of Attitudes Towards Traditional Family Values"*. Bi-Quarterly Journal of Gender and Family Studies. 3 (6): 68-95.
- Khoshsafo, H. Kafashi, M. (2018). *"Investigating the Relationship between Virtual Social Networks and Family Values"*. Quarterly Journal of Social and Cultural Strategy: 6 (23): 2003-2007.
- Konbolach, H. (2012). *Fundamentals of Sociology of Knowledge. Respectful Dignity*. Tehran: Ney Publishing.
- Krupnik, I. (2019). *Labour Migration Influence on the Future Family Life of Labour Migrants Children*. Journal of Vasyil StefanykPrecarpathian National University.6. (1):90-96.
- Mir Mohammad Rezaei, S.Z, Sarukhani, B, Sarai, H. (2017). *Globalization and Demographic Changes of the Iranian Family*. Women and Family Studies. 9 (35).119-154.
- Modiri, F. (2019), *"Different Types of Family Values and Its Socio-Economic Associations in the City of Tehran"*. Applied Sociology. 29 (1): 147-166.
- Mohammadi, Z, Jamali, M. (2016). *Pathology of the status of women and families in contemporary Russia*. Studies of Mercury Eurasia. 8. 2: 311-323.
- Rahmani, G. Vahid, F. Ismaili, R. (2017). *"Study of Cultural Changes Due to the Use of Satellite Media in the Field of Family Values (Case Study: Families of Farashband Fars County in 2014-2015)"*. Two Quarterly Journal of Cultural Protection of the Islamic Revolution. 6 (13).
- Roominaei, N, Miresmaeili, Bb sadat, A, Kamal, Yoosefi, Z, Roomianei, M. (2019). *The role of the Internet on family values in students of Tehran University of Medical Sciences*. Journal of the School of Health and the Institute of Health Research. (3).
- Safdari ranjbar, M, Salami, S.R, Tavakoli, G, Tahmasebi, S. (2016). *Scientific and technological cooperation between the defense industry and universities: Causal analysis approach*. 4: 5-30.
- Sarukhani, B. (2010). *Introduction to Family Sociology: Eleventh Edition*. Tehran: Soroush.

- Taghavi, S.M. Aslani, S. (2018). *"Study of the Relationship between Media Consumption, Religiosity and Family Values: A Case Study of Semnan"*. two scientific journals of women and family law enforcement-social research. (9).
- Taheri Demneh, M. (2016). *"Analytical study of future images of Iranian society in the minds of educated youth of the country based on causal analysis method (CLA)"*. PhD thesis. Futurology. Faculty of Management. University of Tehran
- Varzi kenari, A, Heidarabadi, A, Pahlevan, M. (2020). *Cultural modernization and family values among high school students in Mazandaran province*. Journal of Iranian Social Development studies.11(3).
- Yazdani, A.A. Friendship, S. (2016). *"Emerging Forms of Family in Iran and Its Challenges"*. Journal of Social Work: Second Year ۶ ۴.
- Zahedi, M.J, Khezhnejad, O. (2014), *"Renewal and Process of Value Transformation in the Family"* (Examining the Model of Transformation of Family Values in Buchan City). Iranian Journal of Sociology. 14 (1): 68-97.
- zhao, Kai, z, Mian, foley, S. (2017). *Testing two mechanisms linking work to family conflict to individual consequences: do gender and gender role orientation make a difference?* The international Journal of human resource management: 988-1009.